

مروری بر مأموریت نیرو های نظامی آلمان در افغانستان

تتبع و نگارش: میر احمد خالد الکوزی محصل انستیتوت فلسفه و علوم سیاسی در پوهنتون آخن، آلمان

برگردان به دری: سهیلا الکوزی

24-11-2011

1 مقدمه

بعد از حملات یازدهم سپتمبر 2011م افغانستان یکبار دیگر در محراق توجه و واقعات جهانی قرار گرفت. با توجه به تاریخ افغانستان بدون شک میتوان دریافت که این امر برای اولین بار نیست. چنانچه منطقه هندوکش از مدت بیشتر از دو هزار سال بدینسو محل منازعات زیادی بوده است.

قبل از همه یک بازنگری به ایجاد قلمرو افغانستان کنونی در سال 1747م درک بحث حاضر را سهلتر خواهد ساخت. در اینجا در مورد ویژگی های روابط آلمان و افغانستان نیز مکت خواهد شد.

این نیشته بطور عمده مشارکت نیرو های آلمانی را در چوکات مأموریت ناتو یعنی ISAF (نیرو های معاونت بین المللی برای امنیت) و OEF (عملیات آزادی پایدار) مورد بحث و بررسی قرار میدهد. همچنان به وجوه تمایز و اهداف این دو مأموریت و بالاخره به نتایج آنها نیز روشنی افکنده خواهد شد.

سنگ تهداب افغانستان امروزی در سال 1747م توسط احمد شاه ابدالی گذاشته شد. بعد از تقریباً نیم قرن موجودیت مسالمت آمیز، سه جنگ افغان و انگلیس بالاخره سرآغاز پایان امپراطوری بریتانیا گردید و به پذیرش استقلال افغانستان توسط این کشور انجامید. در همین زمان اولین مناسبات دیپلوماتیک آلمان و افغانستان نیز شکل میگیرد. شاه امان الله منحیث آغازگر شکست امپراطوری بریتانیا که با گام های فراخ در جهت مدرنیزه ساختن کشورش قدم برمیداشت آگاهانه آلمان را به حیث همتا در این راستا برگزید. وی برای استحکام روابط دو کشور طی یک سفر رسمی در سال 1927م از آلمان دیدار نمود. او در کنار پادشاه مصر از جمله اولین مهمانان جمهوری جوان آلمان بشمار میرود. سال 1919م برای آلمان که بعد از جنگ جهانی اول در حالت انزوا قرار داشت و همچنان برای افغانستان که توسط امپراطوری بریتانیا برای بیشتر از یک قرن در انزوا نگهداشته شده بود، در صحنه جهانی یک نقطه عطف به حساب می آید.

افغانستان تحت زمامداری محمد ظاهر شاه تا سال 1973م دارای یک حکومت شاهی مشروطه بود. در همین سال محمد داود طی یک کودتا جمهوریت را در افغانستان اعلان نمود. اما نظام جمهوری از عمر زیادی برخوردار نبود، زیرا محمد داود بعد از شش سال توسط گروه های وابسته به اتحاد شوروی وقت به قتل رسیده و آنها زمام امور را به عهده گرفتند.

پیامد این وقایع اشغال این کشور توسط اتحاد شوروی وقت بود که 10 سال به طول انجامید. سرانجام نجیب الله، آخرین زمامدار دولت دست نشانده شوروی وقت در سال 1992م از طرف مجاهدین از قدرت خلع گردید. با تغییر وضعیت کماکان صلح به افغانستان برنگشت و تنظیم های مختلف مجاهدین جهت کسب قدرت در کابل با همدیگر به جنگ پرداختند.

این منازعات چنان دامنگیر تنظیم های مجاهدین گردید تا اینکه در سال 1994م گروهی از طلبه مدارس دینی بطور خودجوش در کندهار گرد هم آمده و با تشکیل گروه های شبه نظامی به حاکمیت مجاهدین خاتمه دادند. این همان گروهی است که بعد ها بنام تحریک طالبان معروف شدند.

طالبان با سربازگیری از داخل اردوگاه های پناهندگان افغان در پاکستان حملات شان را بشکل مرموز در داخل افغانستان آغاز نمودند. طالبان توسط دستگاه استخباراتی پاکستان (ISI) تنظیم و تجهیز میگرددند. بدین ترتیب برای طالبان امر مشکلی به نظر نمیرسید تا در مدت زمان کوتاهی دامنه تسلط خویش را در افغانستان توسعه بدهند. بیشترین پیشرفت طالبان در افغانستان به سال 2001م برمیگردد که آنها بیشتر از 90 فیصد قلمرو این کشور را در دست داشتند. تا اینکه ایالات متحده امریکا در جواب حمله بالای مرکز تجارت بین المللی در نیویارک با اعلان عملیات آزادی پایدار (OEF) به مبارزه اش بر علیه تروریسم جهانی آغاز مینماید. متعاقب آن ملل متحد و ناتو با اعلان مأموریت ISAF (نیرو های معاونت بین المللی برای امنیت) که کشور آلمان نیز شامل آن است در قبال اوضاع جدید از خود واکنش نشان داد که در ادامه به تفصیل در مورد مکث خواهد شد. اما بعد از گذشت 9 سال از این مأموریت جا دارد تا میزان موفقیت ها و نتایج بدست آمده را بررسی نمود.

وضعیت نگران کننده امنیتی بیانگر آنست که مأموریت ISAF و عملیات OEF به رهبری ناتو به آن نتیجه ی نایل نگردیده است که توقع آن میرفت. سوال اینجاست که کدام عوامل داخلی و خارجی در این راستا نقش داشته اند؟ چرا در زمینه ایجاد ثبات وضعیت در منطقه هندوکش پیشرفتی حاصل نگردیده است و نقش طالبان در این همه چه بوده است؟

نظر به حاد بودن این مسئله منابع بیشماری در دسترس قرار دارند که همه به نحوی و از دیدگاه خاصی در این زمینه پرداخته اند. این رساله بیشترین به منابع ذیل اتکاء نموده است:

- عدم تمرکز در بین هرج و مرج (Decent into Chaos) از احمد رشید (Ahmed (Rashid)
- طالبان (The Taliban) از پیتر مردسنس (Peter Mardsens)
- اطلاعات وزارت دفاع آلمان در زمینه مأموریت آلمان در افغانستان
- همچنان بخاطر درک بهتر منازعه، کشور و تاریخ افغانستان کتاب بعد از طالبان (Nach den Taliban) اثر میسایل پوهلی و خالد دوران (Michael Pohly & Khalid Duran) پیشنهاد میگردد.

2 مأموریت ناتو در افغانستان

اولین کنفرانس افغانستان منعقد شد شهر پیتربورگ آلمان بخاطر حمایت از دولت انتقالی این کشور از سازمان ملل متحد تقاضای همکاری نمود. با صدور فیصله نامه شماره 1386 شورای امنیت این سازمان ناتو و کشورهای هم پیمان آن را موظف به تشکیل نیرو های ISAF نمود. وظیفه اساسی این نیرو ها همکاری و حمایت از جمهوری نوپای اسلامی افغانستان در استقرار ثبات بود.

بر مبنای این فیصله این نیرو ها باید تحت رهبری ناتو و در همکاری نزدیک با اردوی افغانستان در تأمین امنیت این کشور بکوشند، از پروسه بازسازی افغانستان پشتیبانی نمایند و در تقویه ساختار نهاد های افغانی سعی و همراهی کنند.

این نیرو ها همچنان میبایست در جریان انجام مأموریت شان همواره حقوق بشری را رعایت نمایند.

2.1 فیصله نامه 1386 ملل متحد

بر اساس موافقتنامه پیتربورگ مورخ 5 دسمبر 2001م یک دولت انتقالی تحت قیادت حامد کرزی ایجاد گردید. شورای امنیت سازمان ملل متحد طی فیصله نامه شماره 1386 به تاریخ 20 دسمبر 2001م در زمینه توافق نمود. در این فیصله نامه بر آغاز یک تحول تأکید شده بود که متضمن حقوق و آزادی های برگشت ناپذیر برای شهروندان افغانستان و رهایی آنها از هرگونه فشار و ستم باشد.

همچنان در قبال حضور نیرو های ISAF باید حق خودارادیت و استقلال افغانستان به هیچوجه مورد تهدید قرار نگیرد. حضور نیرو های امنیتی باید به احیاء پایدار نهاد های دولتی افغانستان بیانجامد. بدین ترتیب شورای امنیت سازمان ملل متحد در مطابقت با تصامیم و اهداف موافقتنامه پیتربورگ آلمان از آن پشتیبانی خویش را اعلان نمود. همچنان این شورا با پیشنهاد انگلستان مبنی بر متقبل شدن رهبری نیرو های بین المللی توافق کرد. مسئولیت و مصارف نیرو های امنیتی را کشور های ذیدخل متقبل میشوند.

2.2 عملیات آزادی پایدار (OEF)

عملیات آزادی پایدار از طرف ایالات متحده امریکا منحصیث یک اقدام مستقیم در مبارزه علیه تروریسم بین المللی مطرح گردید.

بیشتر از 70 کشور شامل این عملیات یک جبهه مشترک را بر علیه تروریسم بین المللی ایجاد نمودند. این مأموریت در کنار افغانستان در برگیرنده کشور های شاخ افریقا نیز میگردد که در آنجا با استفاده از نیروی بحری بر علیه دزدان دریایی مبارزه صورت میگیرد. سایر مناطق شامل این مبارزه فلیپین و جنوب صحرا میباشند.

اساسات قانونی این مأموریت بین المللی مبتنی بر فیصله نامه شماره 1368 شورای امنیت ملل متحد میباشد که به تاریخ دوازدهم سپتمبر 2001م تصویب شد. حملات یازدهم سپتمبر 2001م به مثابه یک تهدید جدی در برابر صلح و امنیت ایالات متحده امریکا تلقی گردید.

بدین ترتیب جامعه جهانی یکبار دیگر توجه اش را به افغانستان مبذول داشت. براساس اطلاعات منابع امریکایی اسامه بن لادن رهبر شبکه رادیکال اسلامی القاعده با آجندای جهانی تا این زمان در افغانستان اقامت داشته است. اعضای القاعده منحصراً مبتکرین حمله به مرکز تجارت جهانی تلقی میگردند.

در ماه اکتوبر همان سال "جبهه متحد" با حمایت وسیع نیرو های هوایی امریکا به پایتخت کشور کابل و شهر های کندز و کندهار به پیشروی پرداختند. جبهه متحد متشکل از تنظیم های مختلف مجاهدین بود که اکنون در پی شکست طالبان و بخاطر مبارزه با آنها به هم پیوسته بودند. آنها منحصراً قوای پیاده نیروی نظامی امریکا در جنگ علیه طالبان و القاعده اشتراک ورزیدند.

در اینجا از ماده 51 منشور ملل متحد مبنی بر حق ذاتی دفاع از خود مورد استفاده قرار گرفت. متعاقب آن شورای ناتو مسئله ائتلاف را مبتنی بر ماده 5 معاهده واشنگتن اعلان نمود.

نیرو های نظامی آلمانی از این عملیات با ارسال کشتی های جنگی در شاخ افریقا و نیرو های ویژه کوماندویی در افغانستان پشتیبانی نمودند. **به تاریخ 29 جون 2010م دولت آلمان به اشتراک اش در مأموریت ISAF در افغانستان خاتمه داد.**

2.3 وظایف و محدوده صلاحیت های نیرو های نظامی آلمان در چوکات ISAF

پارلمان آلمان در جلسه عمومی مؤرخ 22 دسمبر 2001م خویش وظایف و محدوده صلاحیت های نیرو های نظامی آلمان در چوکات ISAF را اعلام نمود. بدین ترتیب مأموریت نیرو های نظامی آلمان در مطابقت با فیصله نامه شماره 1386 شورای امنیت سازمان ملل متحد انجام میشود. همچنان بر این اصل تأکید صورت گرفت که مأموریت نیرو های نظامی آلمان در چوکات ISAF انجام شده و مجزاء از عملیات OEF میباشد.

از ماه اگست 2005م بدینسو نیرو های نظامی آلمان قومانده تمام نیرو های مستقر در حوزه شمال افغانستان را به عهده دارند که مقر آن در شهر مزار شریف میباشد. بدین ترتیب ساحه اساسی مأموریت نیرو های نظامی آلمانی در حوزه شمال افغانستان متمرکز گردید. عساکر آلمانی که در قرارگاه مرکزی کابل مستقر اند نیز شامل این قوماندانی میگردند. در کنار قوماندانی حوزوی شمال، نیرو های نظامی آلمانی مسئولیت سه تیم بازسازی ولایتی را به عهده دارند که از امور بازسازی در ولایات مربوط حمایت مینمایند.

فعالیت نیرو های نظامی آلمان تنها در بازسازی محدود نبوده بلکه آنها در آموزش پولیس، ساختار زیربنا ها و نهاد های آموزشی و خدمات اجتماعی نیز دخیل هستند. طی سالهای 2002م و 2010م مجموعاً یکنیم میلیارد ابرو کمک های مالی در جهت ثبات و بازسازی افغانستان به مصرف رسیده است. طبق یک گزارش وزارت دفاع آلمان از سال 2009م نیرو های نظامی آلمان باحضور 4500 تن نظامی جزء نیروی تقریباً هفتاد هزار نفری ISAF میباشدند.

اکنون تقریباً 4500 تن از نظامیان آلمانی در افغانستان مستقر هستند که بعد از انگلستان و امریکا سومین نیروی نظامی شامل ISAF در افغانستان محسوب میشوند. نیرو های کثیرالملیتی ISAF سر از تاریخ 18 جولای 2011م از طرف قوماندان امریکایی بنام جنرال جان آلن (John Allen) رهبری میگردند.

نتیجه گیری میانمدت

از آنچه گفته آمد چنین بر می آید که اهداف مأموریت ISAF و عملیات OEF متفاوت اند. عملیات OEF قبل از مأموریت ISAF داخل کارزار شده و مشغول مبارزه بر علیه تروریسم بین المللی گردید. سه ماه بعد از آن مأموریت ISAF مؤظف شد تا در زمینه های بازسازی به کمک و همکاری با جمهوری نو پای اسلامی افغانستان بپردازد. مبانی حقوقی و طرز العمل ها با هم مطابقت داشته، ميعاد زمانی معین در نظر گرفته شد و جریان امور مطابق اهداف از قبل پیش بینی شده به پیش میرود.

3. راهبرد ها، موانع و دستآورد های ناتو

راهبرد قبلی ناتو در افغانستان در فصل دوم مورد بحث قرار گرفت که در حقیقت روی سه اصل عمده استوار می‌باشد: امنیت، ثبات و بازسازی.

طی همایش سران کشور های عضو ناتو در سال 2009م در شهر استراسبورگ فرانسه راهبرد جدیدی پیشنهاد گردید که با اوضاع کنونی افغانستان همخوانی بهتر داشته باشد. نکات عمده این راهبرد جدید شامل ازدیاد نیرو ها، مشارکت بیشتر ایران و پاکستان در پروسه صلح و انتقال تدریجی مسئولیت های امنیتی به نهاد های ذیربط افغانی و بدین ترتیب آغاز عقب کشی نیرو های نظامی از افغانستان طی مراحل معین می باشد.

3.1 ارتشاء و فساد اداری منحيث موانع بازدارنده انكشاف

اینکه چرا انتقال مسئولیت های امنیتی در این مرحله ی زمانی به نهاد های افغانی تصمیم نا بجا است، از موجودیت گسترده ارتشاء و فساد اداری در افغانستان هویدا می‌گردد. در حقیقت این یک پدیده تازه در افغانستان و در مجموع سایر کشور های شرقی نیست. اما وسعت و گستردگی ارتشاء و فساد اداری در حالی باعث بی عدالتی اقتصادی و اجتماعی می‌گردد که دولت نو پای افغانستان تحت فشار این کوله بار راه اش را به سوی آینده باز میکند.

در شرایط کنونی کمبود مفتشین اداری شدیداً محسوس است تا از جریان کار مأمورین دولتی نظارت بعمل آورند. همچنان قابل تعجب نیست که عواید ناشی از مالیات به عوض اینکه به خزانه دولت واریز گردند، منحيث عایدات جانبی مأمورین به جیب های ایشان سرازیر میشوند.

یکی دیگر از مشکلات جدی فرا راه اقتصاد افغانستان وضع مالیات گمرکی است که به شکل غیر مرکزی تنظیم شده است. بدین ترتیب والی های ولایات ذیربط با استفاده از عواید گمرکی به ثروت شخصی خویش می افزایند، بجای آنکه این عواید را به خزانه دولت انتقال بدهند.

مثال های بیشماری از این دست وجود دارند، در حالیکه راه های بیرونرفت از این معضلات به نظر نمیرسند. علیرغم آنکه حکومت فعلی تحت زعامت حامد کرزی اهدافی را در جهت امحای ارتشاء و فساد اداری در سرلوحه کاری اش گنجانیده است، اما تا هنوز گام های عملی و مؤثری در این زمینه برداشته نشده اند.

3.2 دستاورد های ناتو از سال 2002م بدینسو

همزمان با آغاز مأموریت نیرو های آلمانی تحت فرماندهی ناتو در افغانستان متلاطم از بحران، تغییرات زیادی رونما گردیده اند. راندن طالبان از پایتخت این کشور را میتوان منحیث بزرگترین دستاورد تلقی نمود. موازی با سرنگونی حکومت طالبان قوانین خشن آنها از جمله اعدام های که در ملاء عام انجام میشدند، به گذشته پیوستند. همچنان وضعیت زنان به مراتب بهبود یافته است، چنانچه آنها دیگر مکلف نیستند تا خود را در چادری که آنها را سراپا میپوشانید بپوشانند. آنها میتوانند بدون همراهی یک محرم مرد در امور روزمره سهم بگیرند و کار مورد علاقه شان را انتخاب و انجام بدهند.

با آغاز مأموریت ناتو در افغانستان ممنوعیت حضور دختران در مکاتب از بین برده شد. مردم اکنون بدون هراس از هرگونه عواقبی به شنیدن موسیقی میپردازند. مطبوعات جان دوباره گرفتند، چنانچه تعداد موجود رسانه های سمعی-بصری و چاپی در تاریخ این کشور نظیر ندارد. در تاریخ افغانستان در سال 2004م برای اولین بار انتخابات دموکراتیک برگزار شد. این واقعیت ها بیانگر دگرگونی های اجتماعی و رهایی از اسارت طالبان است. سوال اینجاست که اهدافی را که هر دو مأموریت تحت فرماندهی ناتو در پیش داشتند، تا چه حد عملی گردیده اند؟

مأموریت ISAF در گام نخست کارش را در افغانستان به مقصد تأمین امنیت دولت و مردم افغانستان آغاز کرد. اکنون وضعیت امنیتی در حالت اسفبار قرار دارد، چنانچه طی سال 2009م شاهد بزرگترین تلفات بوده ایم. تنها 600 تن از نیرو های نظامی جان شان را از دست داده اند، در حالیکه در باره تلفات ملکی ارقام دقیق در دست نیست. اما واقعیت این است که این ارقام به مراتب بیشتر از تعداد نظامیانی است که در راه تأمین امنیت هلاک شده اند. اگر احتمالاً این حالت را در مقایسه با ازدیاد نیرو ها مبنی بر تصمیم سران کشور های عضو ناتو در ماه اپریل 2009م در شهر استراسبورگ در نظر بگیریم، متأسفانه این امر تا اکنون به نتیجه دلخواه نیانجامیده است. تا هنگامی که امنیت تأمین نگردد، نمی توان از ثبات و بازسازی سخن گفت.

یکی از اهداف دیگر ISAF به ویژه بازسازی ساختار های دولتی است. یک قسمت اعظم نهاد های مهم فعال هستند که در پیشبرد امور شان مورد پشتیبانی قرار میگیرند. مشکل عمده در اینست که این مراجع آلوده به فساد بوده و امور محوله را جدی نمی گیرند. در حال حاضر این مراجع مورد حمایت و همکاری نیرو های ISAF قرار دارند. یک بخش زیاد سران حکومتی جنایتکاران جنگی قبلی اند که طی سالیان حاکمیت مجاهدین (1992م-1994م) مسئول تلفات تعداد بیشمار افراد ملکی در جریان جنگ های داخلی بوده اند. آنها مورد اعتماد مردم نیستند و مقام های شان نیز از جانب مردم مورد قبول قرار نمی گیرد.

از هنگام افشاء "یادداشت های جنگ افغانستان" در جولای 2010م توسط ویکی لیکس نه تنها عدم شفافیت مأموریت ناتو برملاء گردید، بلکه عدم هماهنگی بین کشور های ذیدخل نیز هویدا شد.

یک نکته عمده دیگر که ویکی لیکس از آن پرده برداشت، بیانگر این واقعیت است که ایالات متحده امریکا توجه اصلی اش را در مبارزه بر علیه تروریزم از نظر افکنده است. طی عملیات نظامی یک تعداد زیاد مردم عامه تلف میشوند. این مسئله باعث عدم اعتماد و ایجاد انزجار مردم

عامه نسبت به نیرو های نظامی خارجی می‌گردد. سوال اینجاست که یک دهقان افغان چگونه قادر خواهد بود تا بین نیرو های نظامی کشور های مختلف تفاوت قایل شود؟ در حالیکه نیرو های نظامی آلمانی می‌خواهند تا تمام اولویت های شان را از طریق ISAF انجام بدهند، در اثر اشتباهات نیرو های نظامی امریکایی مورد حملات انتقامجویانه مردم محلی و طالبان قرار می‌گیرند. قابل یادآوری است که نیرو های نظامی آلمانی نیز اشتباهاتی را مرتکب شده اند. به گونه مثال میتوان از واقعه کندز به تاریخ 4 سپتمبر 2009م نام برد که در اثر آن 142 تن از مردم ملکی هلاک گردیدند. اما تعداد اشتباهات نظامی و تلفات ملکی ناشی از عملیات نیرو های نظامی امریکایی بیشمار اند.

کشور های عضو ناتو، از آنجمله آلمان تلاش دارند تا با استفاده از راهبرد های تازه با وضعیت حساس و شکنند در افغانستان مقابله نمایند. بدین ترتیب کوشش میشود تا پاکستان و ایران را بیشتر در پروسه صلح سهیم گردانند. این مسئله از دو نگاه عجیب به نظر می آید، زیرا در شرایط حاضر بین ایالات متحده امریکا و ایران هیچگونه روابط دیپلماتیک وجود ندارد. همچنان اینکه آیا این دو کشور گذشته از همه مسایل در زمینه افغانستان قادر به همکاری سازنده خواهند بود، خیلی سوال برانگیز است. صرفنظر از آن پاکستان و ایران هر یک با در نظر داشت سیاست های داخلی شان در قبال افغانستان در قدم اول طرفدار صلح در سراسر افغانستان نبوده، بلکه به دنبال منافع اقتصادی خود و تأمین مصالح گروه های مورد اعتماد ایشان در افغانستان هستند.

یک نقیضه دیگر در مأموریت ناتو در افغانستان موجودیت این واقعیت است که رسیدن به صلح در این کشور بیشتر در جنگ با طالبان جستجو می‌گردد و هیچگونه تلاش در زمینه مشارکت طالبان در پروسه صلح صورت نگرفته است. در این راستا همایش صلح به ابتکار حکومت امریکا یک اقدام نیک محسوب میشود. هدف از این همایش این است تا همه جوانب ذیدخل در معضله افغانستان را دور یک میز جمع نماید تا مشترکاً در زمینه یک راه حل تبادل نظر نمایند. متأسفانه این همایش بدون حضور طالبان و سران قبایل پشتون ساکن وزیرستان به راه انداخته شد. باید خاطر نشان ساخت که وزیرستان یگانه ایالت پاکستان است که منحصراً پایگاه عقب نشینی طالبان، مراکز آموزش و اردوگاه های تروریستان به شمار میرود. نسبت عدم نتایج قناعت بخش و تعداد زیاد تلفات ناشی از هر دو مأموریت از سیاستمداران آلمان توقع میرود تا طالبان را به میز مذاکرات صلح دعوت نمایند. ناگفته نباید گذاشت که این تلاش ها در تضاد با توقعات طالبان قرار دارد، زیرا طالبان یگانه پیش شرط مذاکرات را خروج فوری تمام نیرو های نظامی خارجی از افغانستان میدانند.

4 نتیجه

در فاصله بین جنگ جهانی دوم تا تهاجم اتحاد شوروی در سال 1979م به افغانستان مجموعاً 400 میلیون مارک کمک انکشافی آلمان به افغانستان داده شده است. بعد از تهاجم نظامیان شوروی به افغانستان معاونت های اقتصادی و روابط دیپلماتیک آلمان با افغانستان تقلیل یافت. امروز بیشتر از نود هزار افغان در آلمان زندگی میکنند. این ها بیشتر بعد از سال 1980م، بعد از هر تغییر قدرت در افغانستان به آلمان نقل مکان نمودند و یا تقاضای پناهندگی کردند. بدین ترتیب بیشترین تعداد افغان های خارج از آنکشور در سطح اروپا در آلمان بسر میبرند. موجودیت این واقعیت توقع مردم آلمان و همچنان افغان های مقیم آلمان را نسبت به نیرو های نظامی آلمانی مستقر در

هندوکش بیشتر می سازد. سوالاتی که مردم و حکومت آلمان را در رابطه با میزان و وضعیت مالیاتی آنکشور بخود مشغول میدارد این است که:

- آیا کمک های اقتصادی آلمان به چه انجامیده اند؟
 - عساکر آلمانی شامل مأموریت ISAF چگونه توانسته اند تا در تأمین صلح نقش داشته باشند؟
 - هزینه این مأموریت بالغ بر چه مبلغی میگردد؟
- تغییر در توازن قوت ها در سیاست داخلی افغانستان بعد از سال 1979م نیز یکی از عوامل بی ثباتی این کشور است که نیرو های نظامی ناتو به آن توجه ننموده اند. هنس کرش (Hand Krech) در کتابش زیر نام معضله افغانستان 2002-2004 (Der Afghanistan-Konflikt 2002-2004) سرنگونی ساختار های دولتی افغانستان را توسط گرافیک ها به طور خیلی واضح تشریح مینماید. آنچه برای این کشور کثیرالملیتی دلخواه و پذیرفتنی جلوه مینماید انحصار بلا منازع قدرت است که تا سال 1979م منحصر به دولت بوده است.

مأموریت نیرو های نظامی آلمانی در چوکات ناتو در افغانستان وضعیت زنان را بعد از سقوط حاکمیت طالبان بهبود بخشید، جامعه افغانی را از زیر ستم رژیم طالبان نجات داد و بدین ترتیب یک آینده بهتر را برای افغانستان اساس گذاشت. مثال های یاد شده بیانگر آنست که ISAF و OEF به اهداف مورد نظر شان نایل نگردیده اند. اهداف اگرچه والا اند و بودند، اما در هیچ مقطع زمانی عملی و با واقعیت ها همسان نبودند. جهت دستیابی به پروسه های مد نظر مثلاً دموکراتیزه ساختن و بازسازی یک کشور باید زمان و امکانات را در درازمدت در نظر گرفت. در بررسی واقعیت ها باید به طور اخص در روشنایی راهبرد های مأموریت های نامبرده اوضاع را مجدداً بررسی نمود. در مورد یک موضوع هیچگونه تردیدی وجود ندارد: هرگاه نیرو های نظامی بین المللی و معاونت های جامعه جهانی از افغانستان عقب کشیده شوند، تلاش های سالهای گذشته بیهوده بوده و به هدر خواهند رفت.

منابع

5 Literaturverzeichnis

Brechna, Habibo (2005): Die Geschichte Afghanistan, Zürich

Bundesministerium für Verteidigung (2009): Unsere Bundeswehr in Afghanistan – Für Sicherheit und Frieden -, Berlin

Dadfar Spanta, Rangin (1992): Afghanistan -Entstehung der Unterentwicklung, Krieg und Widerstand, Frankfurt/Main

Forster, Michael (2005): Nation Building durch die internationale Gemeinschaft, Göttingen

Gardizi, Manija u.a. (2010): Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU)-Corrupting the State or State Crafted Corruption? , Kabul

Krech, Hans (2002): Der Afghanistan-Konflikt 2001, Berlin

Ebd. (2004): Der Afghanistan-Konflikt (2002-2004), Berlin

Mardsen, Peter (2002): The Taliban - War and Religion in Afghanistan -, New York

Merey, Can (2008): Die afghanische Misere, Weinheim

NATO (2010): Assured Security; Dynamic Engagement, Brüssel

P.Wright, Donald u.a. (2009): A Different kind of War, Fort Leavenworth

Pohly, Michel und Duran, Khalid (2002): Nach den Taliban, München

Rashid, Ahmad (2008): Decent into Chaos, New York

Schetter, Conrad (2003):Ethnizität und ethnische Konflikte in Afghanistan, Berlin

The United States Army (2002): Operation enduring Freedom, Washington

Viehrig, Henrike (2010): Militärische Auslandseinsätze, Wiesbaden

o.V. (2009): Afghanistan; in: Der Fischer Weltalmanach 2009, 2009, S.44

Auswärtiges Amt: Beziehungen zwischen Afghanistan und Deutschland, online im Internet <www.auswaertigesamt.de/diplo/de/Laenderinformationen/Afghanistan/Bilateral.html>, Juli 2010, [zugegriffen am 06.08.2010]

Bundestagsdrucksache 14/7930 vom 21.12.2001

Bundesregierung: Regierungserklärung Bundeskanzlerin Angela Merkel, online im Internet <www.bundesregierung.de/Content/DE/Regierungserklaerung/2010/2010-01-28-merkel-erklaerung-afghanistan.html>, 28.01.2010, [zugegriffen am 12.10.2010]

Der Spiegel: Die Chance wurde damals nicht genutzt, online im Internet <<http://www.spiegel.de/spiegel/print/d-72370207.html>>, 26.07.2010, [zugegriffen am 12.10.2010]

Statista: Gefallene Soldaten in Afghanistan, online im Internet <<http://de.statista.com/statistik/daten/studie/2006/umfrage/gefallene-oder-verunglueckte-soldaten-der-westlichen-koalition-in-afghanistan/>>, 11.10.2010, [zugegriffen am 12.10.2010]

Stern: Von der Kundus Affäre zum Fall Guttenberg, online im Internet <<http://stern.de/politik/deutschland/chronologie-von-der-kundus-ffaere-zum-fall-guttenberg-1529202.html>> 14.12.2009, [zugegriffen am 7.8.2010]

United Nations-Security Council vom 20.12.2001: S/RES/1386(2001)

Wikileaks:Afghan war Diaries, online im Internet <http://wikileaks.org/wiki/Afghan_war_Diary,_2004-2010>, 25.Juli 2010, [zugegriffen am 09.08.2010]